

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر قالیباف رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و احترام

ضمن آرزوی توفیق روزافزون خدمت برای جنابعالی و سایر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، به استحضار می‌رساند که اخیراً متنی به عنوان پیش‌نویس "طرح قانون نظام‌مهندسی و امور کنترل ساختمان" منتسب به نمایندگان محترم کمیسیون عمران مجلس منتشر شده که دربرگیرنده نظرات نهایی شده آن‌ها در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ است.

حقوق دانان اعتقاد دارند که قانون‌نویسی هنر قانون‌گذار و فنی‌ترین کار او است و باید روشن و صریح، جامع و کامل، هماهنگ با فرهنگ، مطابق نیاز اجتماعی روز و پاسخ به آن، تأمین‌کننده منافع عموم و حقوق خصوصی آن‌ها، موافق موازین اسلامی و قانون اساسی باشد.

متأسفانه برای تدوین قانون از این سازمان و نمایندگان آن، برای اخذ نظرات کارشناسی به‌جز دو جلسه هیچ دعوتی به عمل نیامده است. این متن که دارای اشکالات متعدد ساختاری و نگارشی است، در مواردی به حقوق مکتسبه مهندسان توجه‌ای نکرده و موجبات تضییع حقوق آنان را فراهم آورده است. متن منتشره در بسیاری از موارد خلاف رویه‌های معمول قانون‌نویسی بوده، غامض نوشته شده و قابلیت تفسیرهای مختلف و حتی متناقض را دارد. به‌صورت بسیار خلاصه اهم بعضی از موارد تقدیم می‌گردد:

۱- آنچه در ساختار ظاهری یک قانون باید به آن توجه شود نام‌گذاری قانون است. نام قانون نخستین بخش هر قانون و نشان‌دهنده مفاد آن است. عنوان "قانون نظام‌مهندسی و کنترل ساختمان" به "قانون نظام مهندسی و امور کنترل ساختمان" تغییر یافته، اما به‌صراحت هیچ مرجعی برای کنترل ساختمان معرفی نشده و حدود صلاحیت و ارتباط سیستماتیک آن‌ها نیز تبیین نگردیده است.

۲- معمول است برای جلوگیری از توضیح بیشتر در متن قانون و عدم تکرار واژگانی تعریف می‌شود، این تعریف نیز در خصوص واژگان پرتکرار بکار برده می‌شود و در تعاریف احکام ذکر نمی‌گردد، اما در متن مذکور در موارد متعدد تعاریف واجد حکم هستند، بعضی از تعاریف

نیز واجد هیچ مزیتی نبوده، که این موضوع خلاف خصوصیت جامعیت و مانعیت قانون نویسی است.

۳- بکار بردن عباراتی مانند "قانون تجارت (یا هر قانون جایگزین دیگر)" یا قانون مدنی (یا هر قانون جایگزین آن که ناظر به تنظیم قراردادها می باشد) موجب وهن قانون گذاری است.

۴- احکامی که در تعاریف ذکر شده، در متن نیز تکرار شده است.

۵- بکار بردن الفاظی که مترادف هستند در قانون نویسی نه تنها متداول نیست، بلکه ممکن است موجب ایجاد تفسیرهای مختلف گردد، مگر اینکه قانون گذار معانی مختلفی را از آن کلمات مدنظر داشته باشد، تفاوت بین تضاد، تنافی و تقابل چیست؟ آیا مفهوم بایسته ها، موازین و الزامات متفاوت است؟ پرهیز از مترادف نویسی در قانون نویسی از بدیهیات است.

۶- یکسان تصور کردن "شناسنامه فنی و ملکی" در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان با "شناسنامه فنی" مذکور در قانون پیش فروش ناشی از عدم دقت تدوین کنندگان است، موضوع اولی چگونگی رعایت مقررات ملی ساختمان، ضوابط شهرسازی و اطلاعات فنی و موضوع دومی اطلاعات عمومی ساختمان، مشخصات کلی معماری، سازه و تأسیسات است، اولی در پایان عملیات ساختمانی و دومی در مرحله صدور پروانه ساختمانی صادر می شود و به رغم تشابه اسمی دو موضوع کاملاً متفاوت هستند.

۷- شأن و جایگاه قانون در سلسله مراتب بالاتر از آیین نامه اجرایی است، نسخ آیین نامه اجرایی در قانون بی سابقه است، ضمن اینکه موضوعی نسخ شده است که یکی از اساسی ترین ارکان قراردادهای پیش فروش ساختمان بوده و برای حفظ حقوق پیش خریداران بسیار اهمیت دارد.

۸- بسیاری از تعاریف و احکام نارسا و چندوجهی است که می شود از آن تفاسیر مختلفی داشت و در مواردی به قدری مفصل و مطول است که بیشتر جنبه انشایی دارد تا تقنینی.

۹- ذکر مواردی که تابع قوانین عمومی کشور از جمله قانون مدنی، قانون تجارت و قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و امثالهم است، هیچ ضرورتی ندارد، علت ذکر اینکه از تصمیم اداره کل راه و شهرسازی می توان به دیوان عدالت اداری شکایت کرد، چیست؟ یعنی رجوع به دیوان عدالت اداری از تصمیمات اداره کل راه و شهرسازی، نیازمند ذکر در این قانون است؟

۱۰- در متن آمده است که "عضو سازمان استان، برای انتفاع از مفاد این قانون، باید متولد آن استان

بوده یا حداقل یکسال ممتد پیش از تاریخ تسلیم درخواست عضویت، در آن استان مقیم باشد".
در حالیکه باید شرط عضویت تولد در استان یا اقامت باشد و انتفاع از نتایج و آثار عضویت در سازمان استان است، ضمن اینکه این موضوع با حکم دیگر قانون نیز در تناقض است.
۱۱- ایرادات عبارتی غیرقابل اغماض در مواد مختلف و احکام که موجب ایجاد مشکلات حقوقی قابل توجه خواهد شد.

۱۲- پرهیز از عامیانه نویسی از بدیهیات قانون نویسی است. اما عباراتی در متن استفاده شده که در قانون گذاری بی سابقه است از جمله "بدیهی است!"، "لیست بیمه رد می شود!"، "فسخ قرار منع تعقیب!"، "دست کم!" یا بکار بردن پرائتز در قانون نویسی، تکرار احکام و بندهای تکراری.

۱۳- کلیه اموال سازمان و سازمان های استان ها با وجوه پرداختی اعضای آن به دست آمده، سازمان هایی که طی ۲۵ سال از زمان تصویب قانون با تلاش جمعی، علاوه بر ایجاد سرمایه اجتماعی، اموال قابل قبولی را برای ارائه بهتر و بیشتر به جامعه و مهندسان فراهم کرده اند، تبدیل این اموال به اموال در حکم اموال عمومی موجبات نارضایتی عمیق مهندسان را فراهم خواهد آورد، به جز سازمان نظام مهندسی ساختمان، ۸ سازمان و کانون شامل سازمان نظام پزشکی، کانون وکلای دادگستری، کانون کارشناسان رسمی دادگستری، سازمان نظام مهندسی معدن، سازمان نظام مهندسی کشاورزی، سازمان نظام پرستاری، سازمان نظام دامپزشکی، سازمان نظام روانشناسی بر اساس قانون خاص تأسیس شده اند، آیا قانون گذار همین تصمیم را در خصوص اموال آنان خواهد گرفت؟ این سازمان از زمان تأسیس توسط هیئت مدیره هایی که با انتخابات برگزیده شده اند، اداره شده است، بودجه و تراز سازمان استان مطابق قانون در مجمع عمومی به تصویب می رسد، چنین تصمیمی مشکلات فراوانی را برای تبدیل بهینه اموال سازمان فراهم می کند، علاوه بر آن تنها امری که به ذهن متبادر می شود این است که ظاهراً عده ای تصور می کنند که مهندسان شایستگی اداره اموال متعلق به خود را ندارند! چگونه سازمانی که دارای بالغ بر پانصد و پنجاه هزار عضو دارای حداقل مدرک کارشناسی است، فاقد صلاحیت تصمیم گیری در خصوص اموال متعلق به خود است؟

۱۴- ماهیت سازمان و سازمان استان، به درستی تبیین نشده است، در حال حاضر در خصوص ماهیت آن اختلاف نظرهای جدی وجود دارد. در متن، سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل ذکر شده

- ولی در موارد متعدد استقلال آن را با احکام مختلف در قانون متزلزل کرده‌اند.
- ۱۵- سازمان در شرایط فعلی نیز غیرانتفاعی است، غیرانتفاعی بودن سازمان نیز به معنی این نیست که معنی برای فعالیت اقتصادی دارد، اما در این متن مشخص نیست به چه دلیلی سازمان از انجام فعالیت‌های تجاری منع شده است؟ این موضوع مجدداً تداعی کننده این است که از نظر عده‌ای، مهندسان که مولدترین بخش جامعه هستند، صالح به اخذ تصمیم در این خصوص نیستند؟
- ۱۶- امکان تبدیل سازمان استان به چند سازمان استان با تشخیص وزارت راه و شهرسازی به وجود آمده است، این موضوع یکپارچگی سازمان استان را از بین خواهد برد، ضمن اینکه بر ما پوشیده است به چه دلیلی سازمان استان باید بجای آنکه تابع تقسیمات کشوری باشد، باید تسلیم تشخیص وزارت راه و شهرسازی گردد؟
- ۱۷- موادی از متن خلاف اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی و تفکیک قواست.
- ۱۸- حقوق مکتسبه اشخاص مدنظر قرار نگرفته است. از جمله حذف رشته ترافیک در رشته‌های هفتگانه و نیز عدم رسمیت شناختن حقوق کلیه دارندگان پروانه که بر اساس قانون جاری موفق به اخذ آن شده‌اند و حذف دارندگان کارشناسی ناپیوسته.
- ۱۹- ایجاد پیچیدگی در فرآیندهای ساده سازمانی از جمله عضویت.
- ۲۰- ورود به جزئیات نحوه اداره سازمان‌ها، خلاف شان قانون‌گذار است، اداره سازمان‌ها توسط اعضای هیئت‌مدیره که منتخب اعضا و از فرهیختگان کشور هستند امری نیست که قانون‌گذار برای جزئیات آن تصمیم‌گیری کند.
- ۲۱- به‌رغم آنکه تعارض منافع به‌طور مفصل تعریف شده، اما دارای ابهامات اساسی است، تفاوت تضاد، تنافی یا تقابل چیست؟ و مصادیق آن و کامل و نسبی بودن کدام است؟ در قانون‌گذاری نیازی نیست که علل احکام ذکر شود، قانون باید به‌صراحت مصادیق تعارض منافع را احصا کند، در این تعریف جز توصیف و اشاره به یک مثال که در قانون‌گذاری هم چندان متداول نیست، هیچ اشاره روشنی به موضوع نشده، این تعریف می‌تواند محل اختلاف و مناقشه جدی در مهندسی کشور گردد، نظر به اهمیت تعارض منافع که بهتر است از آن به مدیریت تعارض منافع اشاره گردد، این تعریف نیازمند اصلاح اساسی است، مهندسی کشور از اختلاف نظر و تفسیرهای متفاوت و بعضاً مغایر قانون آسیب‌های جدی دیده است. با توجه به اینکه مرجع تشخیص تعارض منافع دادگاه عمومی در نظر گرفته شده، دادگاه‌ها با حجم عظیمی از شکایات مواجه

خواهند شد که مصادیق آن اصلاً روشن نیست.

۲۲- در اقدامی بی سابقه و مغایر با اصول مسلم دادرسی، تمامی اعضای هر یک از مراجع انتظامی در صورت منقوض! شدن دادنامه موظف به عذرخواهی مکتوب از مشمول حکم و پرداخت ضرر و زیان شده اند! با توجه به اینکه تخفیف و تشدید رأی هر دو مصداق نقض آن است، حتی با تشدید رأی نیز مرجع صادرکننده باید از محکوم علیه عذرخواهی کند! این موضوع با توجه به اینکه یکی از اعضای شورای انتظامی حقوق دان معرفی شده از طرف رئیس دادگستری می باشد، حیرت آور است!

۲۳- یکی از وظائف بازرسان رسیدگی به شکایت اعضا درج شده است در حالیکه مرجع رسیدگی به شکایات قاعداً باید شورای انتظامی باشد و بازرس امکانی برای رسیدگی ندارد.

۲۴- در متن آمده است محجورین نمی توانند به سمت بازرسی انتخاب شوند، این موضوع توهین به جامعه مهندسی است، یعنی تاکنون بازرس محجوری داشته ایم که تدوین کنندگان خواسته اند از تصدی وی ممانعت به عمل آورند! جالب اینکه این موضوع در شرایط اختصاصی بازرس ذکر شده و چنین معنی برای عضو هیئت مدیره و شورای انتظامی وجود ندارد!

۲۵- هیئت اجرایی انتخابات استان شامل دو نفر از اداره کل راه و شهرسازی و یک نفر از استانداری و هیئت نظارت استان نیز شامل یک نفر از دادستانی استان، یک نفر از اداره کل راه و شهرسازی و یک نفر از استانداری است و هیئت نظارت مرکزی نیز شامل دو نفر از وزارت راه و شهرسازی، یک نفر نماینده دادستان کل کشور، یک نفر نماینده وزارت کشور و یک نفر نماینده کمیسیون عمران مجلس است، در واقع هیئت اجرایی و هیئت نظارت همگی متشکل از نمایندگان وزارت راه و شهرسازی، استانداری و دادستانی هستند، چگونه می شود همزمان اجرا و نظارت بعهده یک مجموعه باشد؟ با این وصف وحدت ناظر و منظور اتفاق افتاده است!

۲۶- عضویت شاغلان در وزارت کشور، شهرداری ها و مراجع صدور پروانه در کلیه ارکان سازمان و سازمان استان ها منع شده، اما ذکری از وزارت راه و شهرسازی و بنیاد مسکن نیامده است!

۲۷- نظریه های شناخته شده مبانی مسئولیت مدنی شامل: نظریه های تقصیر، خطر، مختلط، منافع و تضمین حق است در حالی که مطابق رویه جاری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مسئولیت اصلی همواره با تولیدکننده است و این موضوع با قاعده فقهی «مَنْ كَانَ لَهُ الْعَنْمُ فَعَلِيهِ الْعُرْمُ» نیز منطبق است، معلوم نیست تدوین کنندگان چه نظریه ای را در مبانی مسئولیت مهندسان

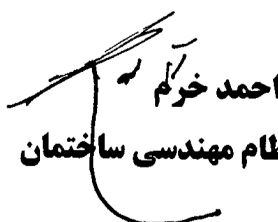
در نظر داشته‌اند. متن به گونه‌ای تدوین شده است که اصل بر مسئولیت مهندسان طراح و ناظر است، بار اثبات عدم مسئولیت به عهده آن‌هاست، مهندس طراحی که باید مقررات ملی ساختمان را در طراحی رعایت کند و مهندس ناظری که مقیم هم نیست چگونه همه مسئولیت متوجه اوست؟ کدام منطق می‌پذیرد که مهندسان با پایین‌ترین حق‌الزحمه چنین مسئولیتی را بپذیرند؟ چرا به مسئولیت تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان مقررات ملی ساختمان و مراجع کنترل ساختمان هیچ اشاره‌ای نشده است؟

۲۸- در اقدامی حیرت‌آور در متن آمده است که "صاحب‌کار حق هیچگونه هتاک، توهین، نزاع و درگیری با حرفه مند عهده دار انجام خدمات مهندسی به ویژه ناظر ساختمانی در ساختمان متعلق به خود را ندارد!!!!" اصولاً این حق را چه کسی مطابق قوانین جاری و شرع مقدس دارد؟ تأسف آور اینکه متن به گونه‌ای تدوین شده است که گویی صاحب‌کار ساختمان مجاور حق چنین کاری با مهندسان ملک دیگری را دارد!

جناب آقای دکتر قالیباف

قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، قانونی است که جنبه‌های فنی پیچیده‌ای دارد، حقوق عمومی و حقوق خصوصی اشخاص در آن نیازمند تدقیق بیشتری است، معمول است چنین قوانینی در قالب لایحه دولت و اخذ نظرات کارشناسی متخصصان به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد، فرآیند تدوین و تصویب لایحه در دولت برای تقدیم به مجلس نیز در کمیسیون‌های اصلی و فرعی با دعوت از کلیه ذینفعان انجام می‌پذیرد، لذا خواهشمند است، دستور فرمایید که متن مذکور با توجه موارد پیش گفته، با دعوت از نمایندگان رسمی این سازمان و سایر ذینفعان مورد تجدیدنظر قرار گیرد. جامعه مهندسی کشور با درایتی که از جنابعالی سراغ دارد و با سوابق درخشان در مدیریت شهری و اشراف به موضوع، اطمینان دارد که با راهبری و مدیریت، موضوع به بهترین روش حل خواهد گردید.

قبلاً از دستور مساعد جنابعالی از طرف اعضای سازمان کمال تشکر را دارد.


احمد خورم
رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان

تاریخ: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷
شماره: ۴۳۰۷۳/س ن
پیوست: —



سازمان نظام مهندسی ساختمان
« شورای مرکزی »

- رونوشت:
- حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر رئیسی، رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران برای استحضار.
- حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای محسنی اژه ای، رئیس محترم قوه قضائیه برای استحضار.
- جناب آقای نیکزاد، نائب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی برای استحضار.
- جناب آقای دکتر رضایی کوچی، رئیس محترم کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی برای استحضار.
- جناب آقای مهندس قاسمی، وزیر محترم راه و شهرسازی برای استحضار.

بدون مهر برجسته فاقد اعتبار است